

تفسیر آیه سیزدهم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

ترجمه:

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پارساترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.

شرح:

این آیه شریفه، با اعلام مساوات میان مردم و مبارزه با تبعیض نژادی، یکی از افتخارات مکتب رهایی بخش اسلام را رقم می‌زند.

در اینجا، سزاوار است به دو موضوع اساسی در تفسیر آیه یادشده بپردازیم:

الف- طرح و برنامه اسلام برای مبارزه با تبعیض نژادی.

ب- تبیین معنای تقوای الهی، که در این آیه به عنوان تنها معیار برتری به شمار رفته است.

مبارزه با تبعیض نژادی

یکی از دلایل پیشرفت اسلام در میان ملت‌های دنیا، بویژه اقوام تحت ستم مانند بسیاری از مردم آفریقا، همانا مبارزه با تبعیض نژادی است. آئین‌رهایی بخش اسلام به صراحت، همه انسانها را از همه اقوام، تیره‌ها و نژادها در نزد خداوند مساوی می‌داند، و تنها میزان برتری را در پاکی و پارسایی قلمداد می‌کند.

علاوه بر آیه فوق، روایات ارزشمندی نیز، در زمینه مساوات همه نژادها رسیده است، که نمونه‌ای از آنها را از نظر شما می‌گذرانیم:

جابر بن عبد الله می‌گوید:

خطبنا رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم) في وسط أيام التشريق خطبة الوداع فقال: يا أيها الناس ألا إن ربكم واحد، ألا إن أباكم واحد، ألا لا فضل لعربي على عجمي، ولا لعجمي على عربي، ولا لأسود على أحمر، ولا لأحمر على أسود، إلا بالتقوى، إن أكرمكم عند الله أتقاكم.

ألا هل بلغت؟

قالوا: بلى يا رسول الله.

قال: فليبلغ الشاهد الغائب.

یعنی: در میان آیام تشریق، پیامبر گرامی اسلام (ص) خطبه وداع خود را ایراد نمود، و در ضمن آن چنین فرمود:

ای مردم! بدانید که پروردگار شما یکی است، و پدر شما (یعنی حضرت آدم) یکی است، بدانید که هیچ فضیلت و برتری برای عرب بر عجم نیست، و نه برای عجم بر عرب، و نه برای سیاه بر سرخ، و نه برای سرخ بر سیاه، مگر در پرتو تقوا و پارسایی. همانا، گرامی ترین شما در نزد خدا، پرهیزکارترین شماست.

آنگاه پیامبر فرمود: آیا پیام را رساندم؟

حاضران گفتید: آری، ای رسول خدا.

پیامبر فرمود: پس حاضران، این پیام را به غائبان برسانند.

تقوا و پارسایی

نکته دیگری که در آیه سیزدهم از سوره حجرات، مورد اشاره قرار گرفته است، نقش تقوای الهی در تحصیل کرامت انسان است.

به منظور توضیح این نکته، به تبیین جوهر تقوی و نقش این گوهر گرانبها و کیمیای سعادت در تکامل روح بشر و تأمین فضیلت آدمی می پردازیم.

"تقوا" به معنای "پرواپیشه بودن" ، "پرهیزکار بودن" و "پارسایی" ترجمه شده است. موقعیت "تقوا" در مقایسه با دیگر درجات کمال معنوی ، در مرتبه سوم پس از اسلام و ایمان قرار دارد.

امام کاظم (ع) در این زمینه می فرماید :

"الإيمانُ فوقَ الإسلامِ بدرجةٍ وَ التَّقوى فوقَ الإيمانِ بدرجةٍ وَ اليقينُ فوقَ التقوى بدرجةٍ ، وَ ما فَسَّمَ فِي الناسِ شَيْئَ أَقَلِّ مِنَ اليقينِ".

یعنی : ایمان ، یک درجه برتر از اسلام است و تقوا ، یک درجه برتر از ایمان است و یقین ، یک درجه برتر از تقوا است . و هیچ چیزی کمتر از یقین ، بین مردم تقسیم نشده است. (اصول کافی 51/2 شماره 2) .

بنا بر این ، نخستین مرتبه کمال معنوی ، اسلام است. "اسلام" در اینجا به معنای پذیرش شریعت محمدیه (ص) به عنوان آئین الهی است.

مرتبۀ دوم ، ایمان است. "ایمان" در این حدیث شریف به معنای التزام قلبی و عملی نسبت به دستورات شریعت است.

سومین درجه کمال ، تقوا است. "تقوا" در اینجا به معنای ملکه نفسانی پارسایی است که در جان انسان پروا پیشه رسوخ یافته و همواره او را در مسیر اراده خداوند بزرگ قرار می دهد، و از ارتکاب معصیت ها و نافرمانی حق جلو گیری می کند.

چهارمین مرتبه ، یقین است. "یقین" در اینجا به معنای مشاهده و کشف حقایق است به نحوی که برای انسان، کوچکترین ابهام و تردیدی باقی نماند ، و نتیجه وصول به این مرتبه، رسیدن به مقام تسلیم و رضا ، در مقابل اراده پروردگار است.

از آنجا که رسیدن به مقام "یقین" ، مستلزم گذراندن سه رتبه قبل از آن، و موفقیت در امتحانات الهی برای اثبات دو ویژگی تسلیم و رضا در برابر فرمان خداوند است ، بنا بر این ، رسیدن به مقام "یقین" به ندرت اتفاق می افتد. بدین جهت ، امام کاظم (ع) در حدیث فوق می فرماید :

"وَمَا قُتِّمَ فِي النَّاسِ شَيْءٌ أَقَلَّ مِنَ الْيَقِينِ".

یعنی: هیچ چیزی کمتر از یقین ، بین مردم تقسیم نشده است.

در پرتو این حدیث شریف ، جایگاه "مُتَّقُونَ" به معنای پارسایان، به خوبی معلوم می گردد.

بنا بر این ، پارسایان کسانی هستند که علاوه بر پذیرش شریعت اسلام به عنوان آیین الهی ، و التزام قلبی و عملی نسبت به دستورات شرع ، ملکه نفسانی پاکی و پرهیز کاری را در سایه سر سپردن به اراده خداوند بزرگ ، بدست آورده اند.

برای شناخت این گروه از انسانهای بلند مرتبه ، نشانه هایی وجود دارد و امام علی (ع) در خطبه متّقین (خطبه همام)، علامات یاد شده را بر می شمارد و از آن نشانه ها به عنوان "فضائل" یاد می کند و چنین می فرماید :

"فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ".

یعنی: پارسایان در جهان ، اهل فضیلت ها هستند.

سپس در توصیف اهل تقوی، می فرماید:

"مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ ، وَ مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ ، وَ مَشِيَّتُهُمُ التَّوَضُّعُ . عَضُّواْ اَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ، وَ وَقَفُواْ اَسْمَاعَهُمْ عَلٰى الْعِلْمِ النَّافِعِ لِهَمَّ".

یعنی : سخن آنان درست ، پوشاک آنان میانه روی ، و راه رفتن آنان با تواضع و فروتنی است. دیدگان خود را از آنچه خداوند بر آنان حرام کرده پوشانده اند ، و شنوایی خویش را وقف آموزش دانش سودمند نموده اند.

بنا بر این، فضیلت پارسایی، معیار ارزشمندی انسان هاست، نه داشتن نژاد خاص. از اینرو، خدای بزرگ در قرآن مجید، مردمانی را که آراسته به تقوای الهی هستند می ستاید و آنان را به عنوان سعادت‌مندان در دنیا و آخرت قلمداد می کند:

" ... الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ . لَهُمُ الْبِشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ".

یعنی : آنانکه ایمان آوردند و پارسا بودند. مزده باد آنان را هم در دنیا و هم در آخرت. سخنان خداوند تغییر نمی پذیرد. این امر، رستگاری بزرگ است.
